

# مجله ارمنجان

اوت - سپتامبر

۱۹۳۲ مسیحی

شهریور ماه

۱۳۱۱ شمسی

تاسیس بهمن ماه ۱۲۹۸ ب

سال  
سیزدهم

(مدیر و نگارنده وحید دستگردی)

شماره  
ششم

## (یک صفحه مختصر)

بقلم میرزا محمد علی خان تربیت از رساله قرن حادی و عشر

در ریاض خود نقل کرده از آنهاست :  
فلك هم با اسپران کینه آن تند خو دارد  
کسی ناز از که خواهد آسمان هم خوی او دارد  
زهر جا بگذرد ناپوت من فریاد بر خرید  
که آه این مرده سنگین می رود پر آرزو دارد

صحبت گرم من و آن بت سرمست بهم  
خوش بهشتی است اگر زود دهد دست بهم  
با فلك دست و گریبان شوم ابدوست یا  
طرفه سیریت تلاش دو زبردست بهم

اگر خواهی که سنجی زور فقر و سلطنت با هم  
بچینی های فغفوری بزن کشکول چوبین را  
(۱۰) میر محمد باقر متخلص باشراق  
ولد میر شمس الدین استرآبادی مشهور بداماد

مولانا تاریخ ۱۰۴۱ در هندوستان بسر برده  
و در آن تاریخ بمشهد مقدس و از آنجا باصفهان  
و کاشان و شیراز رفته و بالاخره در شهر کاشان  
مرده و مسیحی معانی مصرع :  
رفت بسوی فلك باز مسیح دوم راه (۱۰۶۶)  
در ماده تاریخ فوت او گفته و در موقع مردن ۱۱۰  
سال داشته است . حضرت رکن الدین مسعود  
در سخفوری و سخن شناسی استاد زمان خود  
بوده مسیح و مسیحا و مسیحی تخلص می کرده و  
کلیات اشعارش از تصاید و غزلیات و ساقی نامه  
و مثنوی مجموعه خیال قریب بصد هزار بیت  
میباشد و بنا بر روایت میرزا طاهر نصر آبادی  
ده دیوان از وی در کتابخانه میرزا صائب موجود  
بوده و حضرت مشارالیه مقداری از اشعار وی

از حکماء و علمای قرن یازدهم است در فصاحت بیان و طلاقت لسان و قوه خطابه و انشاء از نواخ این قرن محسوب و در حکمت و کلام و طب و ریاضیات و فقه و تفسیر و احادیث و اخبار از مشاهیر آن عصر بوده وی استاد صدرالدین محمد شیرازی است آثار قلبیه او از تألیفات و تصنیفات و شروح و توضیحات و حواشی و تعلیقات و اجوبه مسائل و سئوالات و رسائل و منشآت و فصاید و غزلیات و مثنویات از عربی و پارسی بیشتر از صد جلد میباشد منجمه الصراط المستقیم و الجبل المتین و الاقوال المبین و کتاب القبات و الجنوات و کتاب الایماضات و الاعضالات و التشریفات و التقديسات و الوثیقات و خلسة الملکوت و نیراس الضیاء و سدرة المنتهی و الروائع السماویة و السبع الشداد و شارع النجات و ضوابط الرضاع و عبود المسائل و خلق الاعمال و رسالة المنطق و مشرق الانوار و شروح و حواشی بر کافی و صحیفه کامله و استبصار و مختلف علامه و غیر آنها از تألیفات او بوده و بعضی از آنها بطبع رسیده است

مولانا پاشا صفی زیارت عتبات عالیات مشرف شده و در آنجا رحلت فرموده (۱۰۴۱) و در نجف اشرف دفن گردیده و رباعی ذیل از آنحضرت است .

چشمی دارم چو جان شیرین همه آب  
بختی دارم چو بخت خسرو همه خواب  
جسمی دارم چو جسم مجنون همه درد  
جانی دارم چو زلف لیلی همه تاب

(۱۱) مولانا محمد محسن فیض کاشانی در اصفهان بملازمت ایشان رسید .  
(یاض صائب)

در سلافة المصرین مینویسد ( و من اعظم فضلانهم العولی العلامة محمد بن مرتضی الشهیر بملاحسن فیض القاشانی له کتب و مصنفات جلیلة فی الفقه و الحدیث و الکلام و الحکمة و هو من اهل المصر الموجودین الان )

مولانا ملا محسن فیض همشیره زاده ملا ضیاء الدین بن علامه مشهور باخوند نورای کاشی بوده از فحول علمای قرن یازدهم هجری است حضرت مشارالیه کاشف حقایق و برهان و عارف معرفت و عرفان بوده عالم بعلوم متداوله این قرن است تحصیل علوم از ملاحظه درای شیرازی کرده و داماد اوست شاه عباس کبیر میل و محبت فرقی العادة باو داشت و همیشه آنیس و جلیس وی بوده است و بعد از وفات آن پادشاه عمر خود را در کاشان و قصر گذرانیده بتدریس و تألیف اشتغال داشته و در تاریخ ۱۰۹۱ در کاشان رحلت فرموده اند شماره تألیفات و تصنیفات و حواشی و تعلیقات وی از رسائل و کتب و اشعار قریب بدویست مجلد بوده و بزرگترین اثر وی مجموعه واقی است در چهارده مجلد که قریب بصد و پنجاه هزار بیت است و تفسیر ضافی است در هفتاد هزار بیت و علم الیقین و عین الیقین و حق الیقین و تقویم المحسنین و اصول العقاید و مفاتیح الشرایع و معنصم الشیعه و بشارة الشیعه و سفینه - النجاة و منهاج النجاة و کتاب المهجة الیضاء و تشریح العالم و رسالة الانصاف و رسالة الشواق و الاشواق الاربعة و قررة العیون و شرح الصدر و فهرست العلوم نیز از جمله تألیفات او بوده و بعضی از آنها بطبع رسیده است .

مولانا صائب ابن رباعی مفتاح الجواب را فقط از وی به یاض خود نقل کرده است

بامن بودی منت نمیدانستم

بامن بودی منت نمیدانستم

چون من شدم از میان ترا دانستم

تامن بودی منت نمیدانستم

(۱۲) ملا فرج الله شوشتری در اصفهان

(یاض صائب)

مولانا فرج الله بن محمد بن درویش

شوشتری از سرآمدان فصحا و بلغای این قرن بوده

ذواللسانین است تخلص در اشعار پارسی فرج

و فرج الله میکند مولانا سید علی خان کیردر

سلافة العصر مینویسد او را در مجلس والدیدم

بیشتر از هفتاد سال داشت (۱۰۸۵) مولانا در

عهد سلطان عبد الله قطشاه بیدر آباد رفته

به ثروت فوق العاده نائل گردید و در اواخر قرن

یازدهم برحمت ایزدی موصول شده است.

مولانا کتب زیادی در منطق و کلام و

اصول و رجال و تاریخ و تفسیر دارد تشریح -

الإفلاک و خلاصه شیخ بهائی را شرح کرده و

کتابی هم با اسم تذکرة العنوان در مقابل عنوان الشرف

تألیف کرده و معانی و بیان را بنظم آورده و اشعار

زیادی در عربی و پارسی دارد مولانا صائب در

مقاطع غزلیات از وی بخوبی اسم برده و در

این بیت او را استاد ظهوری معرفی کرده است

همین زخاک فرج کامران نشد صائب

که فیض هم بظهوری از این جناب رسید

این دو بیت از اشعار عربی اوست :

احسن الی من قد اساء فعاله

لو كنت توجر من اساتته العطب

وانظر الی صنع التخیل فانها

ترمی الحجارة وهی ترمی بالرطب

این چند بیت هم از منتخبات صائب است :

آرایش مینا و صراحی می نایست

عریان بود آن شیشه که خالی ز شرابست

مغان که دانه انگور آب میسازند

ستاره میشکند آفتاب میسازند

گر زیر سپهریم حجب نیست که دریا

درویز حجابست و فروتر ز حجابست

### رباعی

از بسکه زبیری شکن اندر شکم

سر میلرزد به جای دل در بد من

پیش از همه کس در قدمش میاقتم

ممنون قد خمیده خویشتم

(۱۳) العلامة القهاة آقا محمد باقر بن

محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی مشهور به

مجلسی بزرگترین مؤلف قرن یازدهم هجری

است امام جمعه و شیخ الاسلام اصفهان بوده

در تاریخ ۱۱۱۱ رحلت فرموده اند بزرگترین

آثار وی کتاب بحار الانوار است در ۲۵ مجلد

که جامع جمیع قصص انبیاء و تواریخ حضرت

رسول و حالات ائمه اثنی عشر و آداب و سنن

شریعت اسلام و مواعظ و خطب و علوم و فنون

متنوعه بوده بمنزله یک دایرة المعارف اسلامی

و مجموعه اخبار و احادیث مذهب جمعفری است

مجلد چهاردهم این مجموعه موسوم بکتاب السماء

و العالم عبارت از یک مجموعه رسائل علوم و

فنون آن عصر بوده قریب بهشتاد هزار بیت

است.

کلیه آثار حضرت علامی از عربی و

پارسی بیش از یک میلیون و چهارصد هزار بیت

بوده کتاب عین الحیوة و حلیة المتقین او در مواعظ

و نصایح و آداب و رسومات اجتماعی یکی از

بهترین کتب فارسی است حضرت مشارالیه گاهی شعر نیز میگفته و مشتاق تخلص میکرده این بیت از ایشان است :  
بنخواب عدم راحتی داشتم

از این خواب ما را که بیدار کرد

(۱۴) آقارضا مسرور در قزوین دیده

شد . (یاض صاحب)

مولانا آقارضا الدین محمد بن حسن قزوینی متخلص بمسرور یکی از مشاهیر علمای قرن یازدهم هجری بوده ذوقش است اهالی قزوین بجهت چرب زبانی و شیرین کلامی وی محبت فوق العاده باو داشته و در نزد آنان محبوب القلوب بوده است ضیائی قزوینی چهار نفر از علمای سخور این قرن را در یک بیت جمع کرده و چنین گفته است :

رضی و واعظ و ملا خلیل و سبزی کار

دل فریفته این چهار قزوین است

مولانا تألیفات مفیدی مانند لسان الخواص

مشمول بر علوم و فنون شیه بدائره المعارف و

ضیافه الاخوان و هدیه الخلان در تاریخ قزوین

و رساله القبله و رساله المقادیر و کحل الابصار

و رساله نوروژ و شیر و شکر و غیره از خود

یادگار گذارده و اشعارش مطبوعه طبایع واقع

شده و ماده تاریخ ذیل را میرزا محسن تأثیر

در فوت وی ساخته است :

پی تاریخ او گردید فکرم

همان آقارضا تاریخ آن شد (۱۱۱۲)

مولانا صاحب ۳۰ بیت از دیوان وی

انتخاب کرده این هجرت از آنهاست :

آنچه ما کشته ایم اگر بدمد

برق رم میکند ز حاصل ما

عاشقم دیوانه ام مستم خرابم بخودم

اینهمه بیهوده یعنی جرم من بخشیدنی است

(۱۵) ذلیقلی یک پسر حاجی داود قلی

شاملو از مورخین قرن یازدهم هجری بوده در

شهر هرات نشو و نما یافته است مدتی در قندهار

ناظر بیونات ذوالفقار خان حاکم آنجا بوده

و در نظم و اثر مهارت فوق العاده داشته است ولذا

بامر خان مشارالیه کارنامه شاه عباس اول و

محاصره لشکر هند و رشادت ذوالفقار خان را

بنظم آورده و آن قریب بچهل هزار بیت است

از آنجاست :

بروز مضاف و بهنگام کار

چوبست از پی کین کمر ذوالفقار

سرو پای خصم و سرای و وطن

زر و سیم و بدخواه و فرزند و زن

بخت و بیست و یکند و بسوخت

گرفت و بداد و خرید و فروخت

مولانا تاریخی هم بعنوان قصص الخاقانی

مشمول بر یک مقدمه و سه باب و خانمه تألیف

نموده است بدین ترتیب باب اول راجع به

شاه اسماعیل و شاه طهماسب و شاه اسماعیل

ثانی باب دوم راجع بسلطان محمد و شاه عباس

اول و شاه صفی باب سیم منحصر بشاه عباس

ثانی است و خانمه هم مشتمل بقراجم احوال

شعرا و علمای عهد شاه عباس ثانی است .

مولانا در اواخر مستوفی سیستان بوده و در

خدمت ملک نصرت قرب و منزلت داشته و

قطعه ذیل را در تاریخ برکه آنجا ساخته است

در عهد دولت ملک ملک نیمروز

نصرت غلام خاص سلیمان روزگار

جویای لطف ساقی کوثر و لیلی

بانی این بنا شده از لطف کردگار

سال های آن طلیدم ز عقل گفت

ای در بحر طبع تو غلطان و آبدار

پرکن ز آب برکه و تاریخ آن بگو

پاکیزه برکه است بعاند یادگار (۱۰۷۸)

بقیه دارد

❖❖❖❖❖

## از آثار ملك الشعراء بهار ❖❖❖❖❖ (آمال شاعر) ❖❖❖❖❖

برخیزم و زندگی ز سر گیرم

باران شوم و بکوه و در بارم

بکره سوی گشت نیشکر پیویم

زان نی شرری پاکنم وزوی

در عرصه گیر و دار بهروزی

داد دل فیلسوف نالان را

با قوت طعم کلک شر زای

ناهید بزخمه تیز تر گردد

کلک از کف تیر سرنگون گردد

از مایه خون دل بلوح اندر

هتجار خطیر تلخ کامی را

پیش غم دهر و تیر بارانش

در عین برهنگی چو عین الشمس

وین سرپوش سیاه بختی را

وانمیوه که آرزو بود نامش

چون خار بنان بکنج غم تا کی

وینرنج دل از میانه بر گیرم

اخگر شوم و بخشک و تر گیرم

کلکی ز ستاک نیشکر گیرم

گیتی را جمله در شرر گیرم

آویز و جدال شیر نوگیرم

زین اختر زشت خیره سرگیرم

تلخی ز مذاق دهر بر گیرم

چون من سرخامه تیز تر گیرم

چون من ز خدنک خامه سرگیرم

بر عادت خویش بی خطر گیرم

این عیش تباہ را سپر گیرم

از خاور تا بساختر گیرم

از روی زمین بزور و فر گیرم

بر سفره کام در شکر گیرم

بر چشم امید نیشتر گیرم